

مجلهٔ زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، دانشگاه فردوسی مشهد، علمی- پژوهشی، شمارهٔ پیاپی ۱۳- پاییز و زمستان ۱۳۹۴

دکتر بهمن زندی (استاد زبان‌شناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، نویسنده مسئول)^۱

دکتر پرویز نصیری (دانشیار آمار دانشگاه پیام نور، تهران، ایران)^۲

سید ابراهیم رادنیری (دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران)^۳

بررسی پدیده دو زبان گونگی در شهر اردبیل از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی

چکیده

هدف این مقاله، بررسی پدیده دوزبان‌گونگی در حوزه‌های رسمی و غیررسمی و همچنین، بررسی تأثیر عوامل سن، جنس، سطح تحصیلات و شغل، بر کاربرد دو زبان فارسی و ترکی در شهر اردبیل است. این تحقیق از لحاظ هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی-پیمایشی است. نمونه آماری تحقیق از میان جامعه آماری (جمعیت شهر اردبیل) به روش نمونه‌گیری مرحله‌ای و براساس جدول مورگان ۴۰۰ نفر انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه پژوهشی پاراشرو برای تحلیل یافته‌ها از آزمون‌های آماری t دو نمونه وابسته و تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شده است. مقایسه کاربرد زبان فارسی با ترکی در شهر اردبیل نشان داد که: جوانان نسبت به سالمندان، زنان نسبت به مردان، دارندگان تحصیلات بالا نسبت تحصیلات پایین و حوزه‌های آموزشی و اداری نسبت به دیگر حوزه‌ها بیشتر از زبان فارسی استفاده می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: زبان‌شناسی اجتماعی، دوزبان‌گونگی، زبان فارسی، زبان ترکی، اردبیل.

۱. مقدمه

زبان‌شناسان اجتماعی علاقمندند بررسی کنند که چگونه اعضای هر جامعه قادر به آشکار ساختن هویت خود از طریق زبان بوده و چطور پاسخ مناسبی را در مقابل تفاوت‌های ظریف کاربردهای زبانی مرتبط با متغیرهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، مذهبی و فرهنگی اجتماع از خود نشان می‌دهند (اسپالسکی، ۱۳۸۷). این دانش میان‌رشته‌ای به بررسی رابطه میان زبان و عوامل اجتماعی می‌پردازد.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۵

پست الکترونیکی: zandi@pnu.ac.ir 1.

3. sib_ra@yahoo.com

2. Pnasiri45@yahoo.com

هر فردی که در یک منطقه جغرافیایی واحد زندگی می‌کند، در تمامی حالات به یک نوع سخن نمی‌گوید. کاربردهای خاصی از زبان، از قبیل زبان عامیانه، توسط برخی از افراد در جامعه محتمل‌تر است. مردمی که در یک منطقه زندگی می‌کنند و از لحاظ مقام و شأن آموزشی و اقتصادی یکسان نیستند، اغلب به صور مختلف صحبت می‌کنند. در واقع، این تفاوت را می‌توان به صورت صریح یا تلویحی به عنوان نشانه‌های عضویت در گروه‌های اجتماعی گوناگون یا جوامع زبانی در نظر گرفت. یک جامعه زبانی شامل گروهی از مردم است که از مجموعه‌ی هنجارها و توقعات یکسانی در کاربرد زبان بهره می‌جویند. در واقع جامعه دو یا چند زبانه، جامعه‌ای است که افراد آن با بیش از یک زبان ارتباط برقرار می‌کنند. البته در جوامع چندزبانه، لزوماً همه افراد دو یا چند زبانه نیستند. چند زبانی اجتماعی پدیده‌ی رایجی است و در مقیاس جهانی موقعیتی عادی تلقی می‌شود و نه استثنایی. در واقع در اکثر کشورهای جهان بیش از یک زبان بومی رواج دارد و به ندرت می‌توانیم کشوری یک زبانه پیدا کنیم و شمار کشورهای چند زبانه بیش‌تر است (ترادگیل، ۱۹۸۴).

به نظر رومین (۱۹۹۲) مطالعه‌ی عوامل مؤثر بر دوزبانه شدن افراد، رابطه‌ی بین دوزبانی فردی و دوزبانی اجتماعی را روشن‌تر می‌کند. در جوامع چندزبانه، اقلیت‌های زبانی مجبورند که زبان رسمی را بیاموزند؛ اما افرادی که به زبان رسمی صحبت می‌کنند؛ لازم نیست زبان بومی را بیاموزند. این شرایط اجتماعی، افراد اقلیت‌های زبانی را ملزم می‌کند که، ناخواسته، دوزبانه بشوند. در کشور ما نیز کودکانی که زبان مادریشان فارسی است، نیازی به آموختن زبان قوم‌های دیگر ندارد؛ در حالی که اقلیت‌های زبانی، برای تحصیل و برقراری ارتباط و تحقق بخشیدن به نیازهای اجتماعی‌شان، باید زبان فارسی را بیاموزند.

دوزبانی اجتماعی لزوماً با دوزبانی فردی در سطح عمومی همراه نیست؛ حتی در کشورهایی که بیش از یک زبان رسمی را پذیرفته‌اند، همه افراد چند زبانه نیستند اگر چه دوزبانی فردی شایع است؛ اما چند زبانی اجتماعی پدیده رایج‌تری است (کمالی، ۱۳۸۴: ۲۰-۱۷).

از آنجا که بین انسان‌ها به لحاظ عوامل مختلف، تنوعات بی شماری وجود دارد، زبان نیز به عنوان یک پدیده اجتماعی، ثابت و بدون تنوع نیست. عواملی مانند مکان جغرافیایی، طبقه اجتماعی، جنسیت، سن، تحصیلات، موقعیت‌های ارتباطی و روابط بین فردی اقتضا می‌کنند که زبان نیز در

شرایط متفاوت، از تنوع و گونه‌های متفاوت برخوردار باشد. با این حساب می‌توان گفت نه تنها گونه‌های مختلفی از زبان وجود دارد بلکه هر شخص نیز بنا به شرایط خاصی ممکن است از گونه‌های مختلف زبان استفاده کند. به نظر لطفی پور ساعدی (۱۳۹۲) گونه‌های زبانی عبارتند از: گونه‌های شخصی، گونه‌های زمانی، گونه‌های جغرافیایی و گونه‌های اجتماعی.

به لحاظ تنوعات مختلفی که بین انسانها در اجتماع وجود دارد، زبان نیز به عنوان تابعی از این تنوعات دارای گونه‌های اجتماعی خاص می‌شود. این عوامل عبارتند از: تحصیلات، شغل و حوزه کاری، سن، جنسیت، طبقه اجتماعی، سیاق، سبک، رسانه (زندگی، ۱۳۹۳: ۸-۷).

هدف از انجام تحقیق حاضر بررسی وضعیت موجود استفاده از دو زبان فارسی و ترکی در مراودات روزمره شهر اردبیل است. در این تحقیق سعی شده است از یک سو کاربرد زبان‌های فارسی و ترکی را در دو حوزه غیر رسمی (خانواده دوستی و همسایگی) و حوزه رسمی (اداری، داد و ستد و آموزشی) و از سوی دیگر تأثیر عوامل سن، جنس، سطح تحصیلات و شغل را بر کاربرد این دو زبان در شهر اردبیل مورد مطالعه قرار گیرد.

پراشر^۱ در سال ۱۹۸۰ با کمک پرسش‌نامه کاربرد زبان را در حوزه‌های مختلف میان ۳۵۰ فرد تحصیل کرده ساکن هندوستان بررسی کرد. وی از آزمودنی‌ها خواست تا در موقعیت‌های ذکر شده زبان مورد استفاده خود را مشخص کنند. نتایج نشان داد که حوزه خانواده تنها حوزه‌ای بود که زبان مادری، زبان هندی، یا هر زبان محلی دیگری بجز زبان انگلیسی در آن کاربرد داشت. زبان انگلیسی در حوزه دوستان و حوزه همسایگی بسیار کاربرد داشت. علاوه بر آن در حوزه تحصیلات، کار و دولت نیز این زبان کاربرد زیادی داشت. دلیل این که زبان انگلیسی در حوزه‌های پایین تر مثل دوستان و همسایگی نیز کاربرد داشت. این بود که معمولاً دوزبان‌های تحصیل کرده زبان مادری مشترکی با دوستان خود نداشتند. علاوه بر این، صحبت درباره موضوع‌های مربوط به حوزه‌های رسمی تر مثل تحصیلات، علم و تکنولوژی باعث می‌شد از زبان انگلیسی استفاده کنند (فسولد، ۱۹۸۴: ۱۸۴).

تحقیق دیگری توسط دیوید^۱ و همکارانش در سال ۲۰۰۳ در مالزی انجام شد. در این تحقیق انتخاب زبان و زبان غالب در محیط خانواده و حوزه‌های مذهبی با افراد مختلف در جامعه سیک‌های پنجابی^۲ در پتالینگ جایا^۳ بررسی می‌شود. این که آیا این گروه هنوز زبان قومی خود را حفظ کرده اند یا خیر در این تحقیق بررسی شد. سرزمین اصلی سیک‌ها هندوستان است و اعتقاد بر این است که آنها حدود قرن هجدهم به مالزی مهاجرت کرده‌اند. در این میان زنان فقط بیست در صد از جمعیت مهاجران را تشکیل می‌دادند. در مالزی زبان مالی زبان رسمی و زبان انگلیسی دومین زبان مهم است. نتایج نشان داد که بیش از ۷۵ در صد از آزمودنی‌ها زبان اولشان پنجابی و زبان اول ۲۱/۲ در صد آنها انگلیسی بود. گروه دوم بین ۱۹-۲۵ و ۲۶-۳۶ سال سن داشتند. در جامعه سیک، هم در حوزه خانواده و هم در بیرون از خانه، نوعی تغییر از زبان قومی شان، پنجابی، به زبان انگلیسی یا آمیزه‌ای از سه زبان پنجابی، مالی و انگلیسی رخ داده بود. در واقع بیشتر پاسخ‌گویان جوان آمیزه‌ای از سه زبان را به کار می‌بردند. خارج از محیط خانه، افراد در هر گروه سنی زبان انگلیسی یا آمیزه‌ای از هر سه زبان را به جای پنجابی به کار می‌بردند. حتی زبان غالب جوان‌ترها و مسن‌ترها در عبادتگاه متفاوت بود. جوان‌تر بر زبان قومی خود کمتر مسلط بودند. با بالاتر رفتن سن کاربرد و میزان مهارت در زبان پنجابی بیشتر می‌شد. تمایز موجود در انتخاب زبان میان گروه‌های سنی مختلف شاهدی بر تغییر زبان بود. جوان‌ترها تمایل به کاربرد زبان انگلیسی داشتند و این زبان در گفتارشان که آمیزه‌ای از سه زبان به همراه کدآمیزی^۴ و کدگردانی^۵ بود، زبان غالب شد. هیچ کدام از پاسخ‌گویان در هیچ رده سنی زبان مالی را به تنهایی به کار نمی‌بردند. به بیانی دیگر کاربرد این زبان همراه با رمز گردانی بود. میزان تحصیلات نیز عامل مهمی بود با بالاتر رفتن سطح تحصیلات کاربرد انگلیسی بالا می‌رفت. با وجود کاربرد زبان پنجابی در میان مسن‌ترها تمایل زوج‌های جوان به زبان انگلیسی باعث شده که بقای این زبان به خطر بیافتد. حتی در حوزه مذهب نیز زبان قومی حفظ نشده است (دیوید و همکاران، ۲۰۰۳، ص. ۲۴-۱).

1 David

2 Punjabi Sikh

3 Petaling Jaya

4 code mixing

5 code switching

فریدونی (۱۳۷۷) در تحقیقی تلاش کرده است که نقش اجتماعی زبان‌های مختلف و یا گونه‌های زبانی در شهرستان ارومیه را مشخص کند. زبان‌های ترکی، کردی و ارمنی گونه‌های رایج ارتباطی در این شهرستان هستند. در این تحقیق سه نمونه جمعیتی کردی، ترکی و ارمنی و در مجموع ۴۰۸ آزمودنی انتخاب شدند. انتخاب گونه زبانی در هفت حوزه اجتماعی، خانواده، مذهب، دوستی، همسایگی، دادوستد، آموزشی، اداره و مراکز کار توسط آزمودنی‌ها با قیود همیشه، اغلب، بعضی مواقع و هیچ وقت مشخص شد. در نهایت مشخص شد با حرکت از حوزه غیر رسمی به سمت حوزه رسمی تر کاربرد زبان مادری کمتر و کاربرد زبان فارسی پررنگتر می‌شود. سن و جنسیت آزمودنی‌ها در انتخاب گونه زبان بی‌تأثیر بود. سطح سواد تنها عامل مؤثر در انتخاب زبان بود. در آزمودنی‌های ترک زبان تنها در حوزه آموزشی گرایش به استفاده از زبان فارسی وجود داشت.

مشایخ (۱۳۸۲) در پژوهش خود سعی داشته حوزه‌های کاربردی دو زبان فارسی و گیلکی را در شهر رشت مورد بررسی قرار دهد. میزان تشویق به یادگیری فارسی و گیلکی و نیز نگرش‌های موجود و نیز نگرش‌های موجود نسبت به گیلکی را نیز بررسی کرده است. یافته‌های پژوهش او، نشان‌گر تغییر زبان در شهر رشت بود. کاربرد گیلکی در میان فرزندان در تمام حوزه‌ها بسیار ناچیز بود. افراد تحصیل کرده تمایل به کاربرد زبان فارسی داشتند. حوزه خانواده نقش چندانی در حفظ زبان گیلکی نداشت و میزان تشویق به یادگیری زبان گیلکی بسیار ناچیز بود.

ایمانی (۱۳۸۳) وضعیت کاربردی دو زبان ترکی و فارسی را در میان دوزبانه‌های ترکی - فارسی ساکن شهر قم با کمک روش تحلیل حوزه‌ای^۱ بررسی کرده است. وی در نهایت به این نتیجه رسیده است که بیشترین میزان کاربرد زبان ترکی در حوزه خانواده است. به طور کلی در پیوستار حوزه‌های خانواده، کوچه و بازار، کار، مذهب و هنر و سرگرمی هر چه از راست به چپ برویم میزان کاربرد زبان ترکی کاهش می‌یابد. متغیرهای سن، جنسیت نیز با کاربرد زبان ترکی رابطه دارند. همچنین بالا رفتن طبقه اجتماعی باعث کاهش میزان کاربرد زبان ترکی می‌شود.

رنجبر (۱۳۸۴) در پژوهش خود وضعیت دوزبانگونی در میان دانش آموزان دبیرستانی ساکن استان کرمانشاه در دو حوزه خانواده (یک حوزه غیر رسمی) و حوزه مدرسه (یک حوزه رسمی) مورد بررسی قرار داده است.

نتایج پژوهش او نشان داد که زبان غالب در حوزه‌های خانواده و مدرسه در کرمانشاه فارسی است، اما در پایه زبان کردی می باشد. زبان غالب در حوزه مدرسه در کوزران زبان فارسی و در خانقاه زبان کردی است. به طور کلی زبان غالب در کرمانشاه زبان فارسی و در پایه زبان کردی است. در نهایت زبان فارسی در مناطق شهری بیشتر از مناطق روستایی کاربرد دارد.

چارچوب نظری

زبان شنا سان اجتماعی پدیده برخورد زبانی را در جوامع مختلف مورد ارزیابی قرار داده اند. یکی از مهمترین موضوعات بحث در این پژوهش نیز مسأله برخورد زبانی است. پدیده برخورد زبانی منجر به پیدایش مواردی چون دوزبانگی، چندزبانگی و دوزبانگونی در جوامع بشری می شود. در دیدگاه کلاسیک منبعث از فرگوسن (۱۹۵۹:۲۳۳)، دوزبانگونی نوع خاصی از معیار سازی است که دو گونه از یک زبان در کنار هم و در سرتاسر جامعه همزیستی می کنند و هر یک نقش معینی به عهده می گیرند. این دو گونه را فراگونه و فروگونه می نامند. یکی از مهمترین ویژگی های دوزبانگونی، تخصصی شدن نقش فراگونه و فروگونه معیار است. فراگونه در بافت های رسمی و فروگونه در بافت های غیر رسمی به کار می رود. فراگونه معمولاً در خطبه ها، موعظه های مذهبی، مکاتبات رسمی، ادبیات رسمی دروس دانشگاهی، پخش اخبار و فروگونه معمولاً در محاورات روزمره، برنامه های محلی رادیو تلویزیونی و ادبیات عامیانه به کار می رود. موقعیتهایی که هر یک از این دو گونه زبانی باید در آن به کار روند، از نظر اجتماعی نسبتاً مشخص و نهادی شده است و برای مثال هیچکس در محاورات روزمره از فراگونه استفاده نمی کند.

فسولد (۱۹۸۴: ۵۲-۴۰) نیز دوزبانگونی را جهیدن از سبکی به سبک دیگر می خواند و یادآور می شود موقعیت دوزبانگونی، هنگامی که تغییری در نقش فراگونه و فروگونه رخ می دهد و نیز هنگامی که این دو گونه به تدریج در هم ادغام می شوند، تغییر می کند. دوزبانگونی خصوصیت

جوامع است تا افراد. افراد ممکن است دوزبانه باشند ولی جوامع دوزبانگونه هستند. به عبارت دیگر اصطلاح دوزبانگونگی، دوزبانگی اجتماعی یا رسمی شده را توصیف می کند. در جاییکه ضرورت پیدا می کند دو گونه تمامی حوزه های یک جامعه را در بر می گیرد. دوزبانگونگی مربوط به جامعه شناسی زبان است ولی دوزبانگی مربوط به روانشناسی زبان.

اما نرسیسیانس (۱۳۶۴: ۸۰-۷۳) دوزبانگونگی در ایران معاصر را در سه گروه طبقه بندی می کند. گروه اول را وجود همزمان فارسی ادبی با فارسی گفتاری می داند. او معتقد است با ازدیاد شهرنشینی و به خصوص بر اثر افزایش جمعیت مقیم تهران به تدریج گویش های محلی مختلف در یک گویش کلی مشترک ادغام شده که می توان آنرا «فارسی گفتاری» نامید. مطالعات علمی نشان می دهد که اگر چه گویش اقشار پایین جامعه هنوز متمرکز نشده است اما می توان گفت که در مورد اقشار بالا و به خصوص در بین افراد تحصیل کرده برای فارسی گفتاری یک گونه استاندارد در حال تکوین است، به طوریکه در موارد به خصوص آن، استعمال گونه ای نابجا، باعث اشکال در فهمیدن تعاملات زبانی می شود. به اعتقاد وی گروه دوم بارزترین و قدیمی ترین نمونه دوزبانگونگی در ایران می باشد و در مقاله فرگوسن (۱۹۷۲) نیز به عنوان مثال ذکر شده است که در واقع وجود همزمان فارسی استاندارد با یک گویش محلی در مجموعه زبانی افراد است. بسیاری از ایرانیان هنوز در گفتگوی روزمره با افراد خانواده خود به گویش محلی سخن می گویند در حالیکه همان افراد در مکالمات خود با افراد دیگر در کوچه و خیابان، محل کار و غیره گونه فارسی معیار (ادبی یا گفتاری) را به کار می برند، این افراد طبیعتاً ابتدا در مکالمات خانوادگی گویش محلی خود را فرا می گیرند، اما بعدها گونه استاندارد فارسی را نیز می آموزند. نرسیسیانس به تاسی از نظریه بسط یافته فیشمن (۱۹۶۷: ۲۹) به وجود پدیده دوزبانگونگی بعنوان نوع سوم نیز معتقد است و آن وجود همزمان زبان فارسی با زبان های قومی دیگر است. در ایران علاوه بر جمعیت فارسی زبان، گروه های قومی دیگری نیز وجود دارند که در مکالمات داخلی خود به زبان قومی خویش صحبت می کنند. بر اثر افزایش ارتباطات و تبدیل زبان فارسی به زبان مشترک اقوام مختلف اینگونه افراد دو زبانه یا چند زبانه هستند. از نظر چگونگی وضعیت دوزبانی اکثر این اقوام مراحل دوزبانی غیر کامل و دوزبانی تک سواد را پشت سر گذاشته و به خصوص در مورد نسل جدید به حالت دوزبانی کامل رسیده اند. با این همه دوزبانی اینان حتی

بیشتر از حالت وجود همزمان فارسی استاندارد با یک گویش یا زبان محلی، جنبه دوزبانگونی پیدا کرده است و در حالی که زبان مادری در حوزه‌هایی از قبیل خانه و مکالمات دو ستانه با افراد متعلق به گروه‌های قومی و زبانی خود مورد استفاده قرار می‌گیرد. زبان فارسی نیز در حوزه‌هایی از قبیل موقعیتهای اداری و آموزشی به کار می‌رود. در این مقاله به بررسی پدیده دوزبانگونی از نوع سومی که در نظریه نرسیسیانس معرفی کردیم، پرداخته خواهد شد.

علاوه بر مبنا قرار دادن نظریه دوزبانگونی بسط یافته فیشمن، برای نظم بخشی به داده‌های تحقیق از تحلیل حوزه‌ای وی نیز سود برده ایم. فیشمن (۱۹۶۷) نخستین کسی است که اصطلاح حوزه کاربرد زبانها را ارائه کرد و سپس فسولد (۱۹۸۳: ۱۹۸۴) این مفهوم را بسط داد و حوزه‌های کاربرد زبان را اعم از خانواده، همسایگی، دوستی، داد و ستد، مدرسه، محیط کار، امور دولتی و امور مذهبی معرفی کرد. در این تحقیق با استفاده از دیدگاه فسولد، پدیده دوزبانگونی را در دو حوزه غیر رسمی (خانواده دوستی و همسایگی) و حوزه رسمی (اداری، داد و ستد و آموزشی) با در نظر گرفتن تأثیر عوامل سن، جنس، سطح تحصیلات و شغل را بر کاربرد دو زبان فارسی و ترکی در شهر اردبیل مورد بررسی قرار خواهیم داد.

روش شناسی تحقیق

این تحقیق از لحاظ هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی از نوع پیمایشی است. عوامل اجتماعی که در کاربرد زبان فارسی و ترکی در محیط‌های مختلف اجتماعی مناطق غیرفارسی زبان و از جمله شهر اردبیل تأثیر گذارند، احتمال دارد طیف وسیعی را تشکیل دهند که از میان آنها عوامل (سن، جنس، سطح تحصیلات و شغل) مورد توجه قرار گرفته است. جامعه آماری این تحقیق؛ یعنی کل کسانی را که نتایج حاصل از این تحقیق به آنها نسبت داده خواهد شد، تمام افراد جمعیت ساکن شهر اردبیل را شامل می‌شود.

نمونه آماری تحقیق از میان جامعه آماری (جمعیت شهر اردبیل) به روش نمونه‌گیری مرحله‌ای (طبقه‌ای، خوشه‌ای و سیستماتیک) و براساس جدول مورگان ۴۰۰ نفر انتخاب شدند. جدول ۱ فراوانی و درصد آزمودنی‌ها را در هر گروه (تحصیلی، سنی، شغلی و جنسی) در شهر اردبیل نشان می‌دهد.

جدول ۱: توزیع پاسخگویان بر حسب گروه‌های مختلف اجتماعی

گروه‌ها	طبقه	فراوانی	درصد فراوانی
تحصیلی	بی سواد	۱۲	۳/۰
	ابتدایی	۲۷	۶/۸
	راحتمایی	۳۶	۹/۰
	دبیرستان	۴۹	۱۲/۳
	دیپلم	۹۰	۲۲/۵
	فوق دیپلم	۷۰	۱۷/۵
	لیسانس	۷۴	۱۸/۵
	فوق لیسانس و بالاتر	۴۲	۱۰/۵
	- ۱۱	۱۷	۴/۳
ستی	۱۱- ۱۶	۳۴	۸/۵
	۱۷- ۲۵	۱۱۹	۲۹/۸
	۲۶- ۴۰	۱۴۲	۳۵/۵
	۴۱- ۶۰	۷۳	۱۸/۵
	+ ۶۰	۱۵	۳/۸
شغلی	آموزشی	۱۷۱	۴۲/۸
	اداری	۱۲۶	۳۱/۵
	آزاد	۶۲	۱۵/۵
جنسی	سایر	۴۱	۱۰/۲
	زن	۱۹۷	۴۹/۳
	مرد	۲۰۳	۵۰/۷

اصلی‌ترین ابزار مورد استفاده در این پژوهش، پرسش‌نامه بود. این پرسش‌نامه براساس پرسش‌نامه الگوی پژوهشی پاراشر (۱۹۸۰) انتخاب شده است که البته در آن اصلاحاتی داده شده است. پاراشر شش حوزه اجتماعی خانواده، دوستی، همسایگی، دادوستد، آموزشی و اداری را در نظر گرفت، حوزه‌هایی که به ترتیب از غیررسمی به رسمی طبقه بندی شده بودند. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها نیز از دو آزمون، آزمون t دو نمونه وابسته^۱ و تحلیل واریانس یک طرفه^۲ در این تحقیق استفاده شد.

1 Paired-Samples T Test
2 One- Way ANOVA

یافته های تحقیق

یافته های تحقیق شامل مقایسه میانگین کاربرد زبان فارسی با ترکی در شش حوزه‌ی خانواده، دوستی، همسایگی، داد و ستد، آموزشی و اداری به شرح زیر است:

حوزه خانواده

بررسی داده‌های بدست آمده حاکی از آن است که میانگین کاربرد زبان فارسی برابر با ۴/۰۴ بوده است، در حالی که میانگین کاربرد زبان ترکی ۱۴/۳۴ گزارش شده است.

جدول ۲: مقایسه میانگین کاربرد زبان فارسی با ترکی در حوزه خانواده

کاربرد زبان	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف میانگین	
				t	p-مقدار
فارسی	۴۰۰	۴/۰۴	۴/۰۳	۰/۲	-۲۷/۲۹
ترکی	۴۰۰	۱۴/۳۴	۳/۸۹	۰/۱۹	

با توجه به نتایج آزمون t دو نمونه وابسته در جدول ۲، فرض برابری میانگین ها بین کاربرد زبان فارسی با ترکی در حوزه خانواده با توجه به p-مقدار بدست آمده ($p = 0/000$) با اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت کاربرد زبان ترکی در حوزه خانواده به طور محسوسی از زبان فارسی بیشتر است.

حوزه دوستی

بررسی داده‌های بدست آمده نشان می‌دهد که میانگین کاربرد زبان فارسی برابر با ۵/۷۷ بوده، در حالی که میانگین کاربرد زبان ترکی ۱۲/۸۵ گزارش شده است.

جدول ۳: مقایسه میانگین کاربرد زبان فارسی با ترکی در حوزه دوستی

کاربرد زبان	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف میانگین	
				t	p-مقدار
فارسی	۴۰۰	۵/۷۷	۴/۱۳	۰/۲۱	-۱۸/۱
ترکی	۴۰۰	۱۲/۸۵	۳/۹۹	۰/۲	

با توجه به نتایج آزمون، فرض برابری میانگین‌ها بین کاربرد زبان فارسی با ترکی در حوزه دوستی با توجه به p -مقدار بدست آمده ($p = 0/000$) با اطمینان ۹۵ درصد می‌شود. پس می‌توان نتیجه گرفت کاربرد زبان ترکی در حوزه دوستی به طور محسوسی از زبان فارسی بیشتر است. این حوزه هم جزء موارد غیررسمی است که ترکی دارای کاربرد بالایی است.

حوزه همسایگی

بررسی داده‌های بدست آمده نشان می‌دهد که میانگین کاربرد زبان فارسی برابر با $4/65$ بوده، در حالی که میانگین کاربرد زبان ترکی $13/88$ بوده است.

جدول ۴: مقایسه میانگین کاربرد زبان فارسی با ترکی در حوزه همسایگی

آزمون آماری		خطای انحراف میانگین	انحراف معیار	میانگین	تعداد	کاربرد زبان
p -مقدار	t					
0/000	-27/86	0/18	3/5	4/65	400	فارسی
		0/17	3/43	13/88	400	ترکی

با توجه به نتایج آزمون t دو نمونه وابسته در جدول ۴، فرض برابری میانگین‌ها بین کاربرد زبان فارسی با ترکی در حوزه همسایگی با توجه به p -مقدار بدست آمده ($p = 0/000$) با اطمینان ۹۵ درصد می‌شود. کاربرد زبان ترکی در حوزه همسایگی به طور محسوسی از زبان فارسی بیشتر است.

حوزه داد و ستد

بررسی داده‌های بدست آمده در این حوزه نشانگر این است که میانگین کاربرد زبان فارسی برابر با $4/3$ بوده، در حالی که میانگین کاربرد زبان ترکی $14/23$ گزارش شده است.

جدول ۵: مقایسه میانگین کاربرد زبان فارسی با ترکی در حوزه دادوستد

آزمون آماری		خطای انحراف میانگین	انحراف معیار	میانگین	تعداد	کاربرد زبان
p -مقدار	t					
0/000	-24/99	0/21	4/13	4/3	400	فارسی
		0/2	4/05	14/23	400	ترکی

با توجه به نتایج آزمون t دو نمونه وابسته در جدول ۵، فرض برابری میانگین‌ها بین کاربرد زبان فارسی با ترکی در حوزه دادوستد با توجه به p -مقدار بدست آمده ($p=0/000$) با اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت کاربرد زبان ترکی در حوزه دادوستد به طور محسوسی از زبان فارسی بیشتر است.

حوزه آموزشی

بررسی داده‌های بدست آمده حاکی از آن است که میانگین کاربرد زبان فارسی برابر با ۸/۳۳ بوده است، در حالی که میانگین کاربرد زبان ترکی ۱۰/۲۸ برآورد شده است.

جدول ۶: مقایسه میانگین کاربرد زبان فارسی با ترکی در حوزه آموزشی

آزمون آماری		خطای انحراف میانگین	انحراف معیار	میانگین	تعداد	کاربرد زبان
p -مقدار	t					
۰/۰۰۰	-۴/۱	۰/۲۵	۴/۹۳	۸/۳۳	۴۰۰	فارسی
		۰/۲۴	۴/۸۸	۱۰/۲۸	۴۰۰	ترکی

با توجه به نتایج آزمون t دو نمونه وابسته در جدول ۶، فرض برابری میانگین‌ها بین کاربرد زبان فارسی با ترکی در حوزه آموزشی با توجه به p -مقدار بدست آمده ($p=0/000$) با اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت کاربرد زبان ترکی در حوزه آموزشی به طور محسوسی از زبان فارسی بیشتر است. در این حوزه فارسی دارای کاربرد بیشتری نسبت به دیگر حوزه‌ها است.

حوزه اداری

بررسی داده‌های بدست آمده نشان می‌دهد که میانگین کاربرد زبان فارسی برابر با ۵ بوده، در حالی که میانگین کاربرد زبان ترکی ۱۳/۷۹ بوده است.

جدول ۷: مقایسه میانگین کاربرد زبان فارسی با ترکی در حوزه اداری

آزمون آماری		خطای انحراف میانگین	انحراف معیار	میانگین	تعداد	کاربرد زبان
p -مقدار	t					
۰/۰۰۰	-۲۱/۷	۰/۲۲	۴/۳۳	۵	۴۰۰	فارسی
		۰/۲۱	۴/۱۷	۱۳/۷۹	۴۰۰	ترکی

با توجه به نتایج آزمون t دو نمونه وابسته در جدول ۷، فرض برابری میانگین‌ها بین کاربرد زبان فارسی با ترکی در حوزه اداری با توجه به p -مقدار بدست آمده ($p = 0/000$) با اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت کاربرد زبان ترکی در حوزه اداری به طور محسوسی از زبان فارسی بیشتر است.

مقایسه میانگین کاربرد زبان فارسی و ترکی در گروه های سنی در شهر اردبیل

بررسی داده‌های آماری بیانگر آن است که میانگین کاربرد زبان فارسی و ترکی در تمام گروه‌های سنی در حوزه‌های اجتماعی متفاوت است.

جدول ۸: تحلیل واریانس تأثیر سن بر کاربرد دو زبان در حوزه های اجتماعی

متغیرها	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F مقدار	سطح معناداری
فارسی	واریانس بین گروهی	۱۶۴۹۵/۰۳۶	۵	۳۲۹۹/۰۰۷	۸/۰۳۳	۰/۰۰۰
	واریانس درون گروهی	۱۶۱۱۵/۸۶۱	۳۹۴	۴۱۰/۷۰۰		
	کل	۱۷۸۳۱/۸۹۷	۳۹۹	-		
ترکی	واریانس بین گروهی	۱۷۰۳۱/۱۸۴	۵	۳۴۰۶/۲۳۷	۹/۰۰۲	۰/۰۰۰
	واریانس درون گروهی	۱۴۹۰۸۷/۵۲۶	۳۹۴	۳۷۸/۳۹۵		
	کل	۱۶۶۱۱۸/۷۱۰	۳۹۹	-		

با توجه به نتایج بدست آمده در جدول ۸، فرض برابری میانگین‌های کاربرد زبان فارسی در تمام سطوح سنی در حوزه‌های اجتماعی با توجه به مقدار آزمون F برابر با ۸/۰۳۳ و p -مقدار بدست آمده ($p = 0/000$) با اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود.

در مورد زبان ترکی نیز فرض برابری میانگین‌های کاربرد زبان ترکی در تمام سطوح سنی در حوزه‌های اجتماعی با توجه به مقدار آزمون F برابر با ۹/۰۰۲ و همچنین سطح معناداری ($P = 0/000$) با اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که افراد زیر ۱۱ سال در حوزه‌های اجتماعی بیش از بقیه گروه‌ها و افراد بالای ۶۰ سال کمتر از دیگر گروه‌های سنی از زبان فارسی استفاده می‌نمایند. همچنین افراد بالای ۶۰ سال در این حوزه‌ها بیشتر از دیگر گروه‌ها و افراد زیر ۱۱ سال کمتر از بقیه گروه‌های سنی از زبان ترکی استفاده می‌کنند.

مقایسه میانگین کاربرد دو زبان در سطوح مختلف تحصیلی در شهر اردبیل

بررسی داده‌های آماری نشان می‌دهد که میانگین کاربرد زبان فارسی و ترکی در تمام گروه‌های مختلف تحصیلی در حوزه‌های اجتماعی متفاوت است.

جدول ۹: تحلیل واریانس تأثیر سطوح تحصیلی بر کاربرد زبان فارسی و ترکی در حوزه‌های اجتماعی

متغیرها	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F مقدار	سطح معناداری
فارسی	واریانس بین گروهی	۱۲۴۶۳/۷۱۳	۷	۱۷۸۰/۵۳۰	۴/۲۰۹	۰/۰۰۰
	واریانس درون گروهی	۱۶۵۸۴۷/۱۸۴	۳۹۲	۴۲۳/۰۸۰		
	کل	۱۷۸۳۱۰/۸۹۸	۳۹۹	-		
ترکی	واریانس بین گروهی	۱۱۴۷۵/۷۱۳	۷	۱۶۳۹/۳۸۸	۴/۱۵۶	۰/۰۰۰
	واریانس درون گروهی	۱۵۴۶۴۲/۹۹۷	۳۹۲	۳۹۴/۴۹۷		
	کل	۱۶۶۱۱۸/۷۱۰	۳۹۹	-		

با توجه به نتایج بدست آمده در جدول ۹، فرض برابری میانگین‌های کاربرد زبان فارسی در تمام سطوح مختلف تحصیلی در حوزه‌های اجتماعی با توجه به مقدار آزمون F برابر با ۴/۲۰۹ و $p < 0.001$ مقدار بدست آمده ($p = 0.000$) با اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود.

در مورد زبان ترکی نیز فرض برابری میانگین‌های کاربرد زبان ترکی در تمام سطوح مختلف تحصیلی در حوزه‌های اجتماعی با توجه به مقدار آزمون F که برابر ۴/۱۵۶ است و همچنین سطح معناداری ($P = 0.000$) با اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود.

بنابراین می‌توان گفت که افراد دارای سطح تحصیلات فوق دیپلم در حوزه‌های اجتماعی بیش از بقیه و افراد بیسواد کمتر از دیگر سطوح تحصیلی از زبان فارسی استفاده می‌کنند. همچنین افراد بیسواد بیشتر از دیگر گروه‌ها و افراد دارای سطح تحصیلات فوق دیپلم کمتر از بقیه گروه‌های تحصیلی از زبان ترکی استفاده می‌نمایند.

مقایسه میانگین کاربرد زبان فارسی و ترکی در گروه‌های شغلی در شهر اردبیل

بررسی داده‌ها نشان می‌دهد میانگین کاربرد زبان فارسی و ترکی در گروه‌های شغلی متفاوت است.

جدول ۱۰: تحلیل واریانس تأثیر گروه‌های شغلی بر کاربرد دو زبان در حوزه‌های اجتماعی

متغیرها	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F مقدار	سطح معناداری
فارسی	واریانس بین گروهی	۲۲۲۸۰/۷۲۴	۳	۷۴۲۶/۹۰۸	۱۸/۸۴۹	۰/۰۰۰
	واریانس درون گروهی	۱۵۶۰۳۰/۱۷۴	۳۹۶	۳۹۴/۰۱۶		
	کل	۱۷۸۳۱۰/۸۹۸	۳۹۹	-		
ترکی	واریانس بین گروهی	۱۶۸۸۷/۶۲۳	۳	۵۶۲۹/۲۰۸	۱۴/۹۳۸	۰/۰۰۰
	واریانس درون گروهی	۱۴۹۲۳۱/۰۸۷	۳۹۶	۳۷۶/۸۴۶		
	کل	۱۶۶۱۱۸/۷۱۰	۳۹۹	-		

با توجه به نتایج بدست آمده در جدول ۱۰، فرض برابری میانگین‌های کاربرد زبان فارسی در تمام گروه‌های شغلی در حوزه‌های اجتماعی با توجه به مقدار آزمون F برابر با ۱۸/۸۴۹ و p -مقدار بدست آمده ($p = 0/000$) با اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود. در مورد زبان ترکی نیز فرض برابری میانگین‌های کاربرد زبان ترکی در تمام گروه‌های شغلی با توجه به مقدار آزمون F که برابر ۱۴/۹۳۸ است و همچنین سطح معناداری ($P = 0/000$) با اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود.

مقایسه میانگین کاربرد زبان فارسی و ترکی از طرف دو گروه جنسیتی در شهر اردبیل

بررسی داده‌ها نشان می‌دهد میانگین کاربرد زبان فارسی و ترکی در مردان و زنان متفاوت است.

جدول ۱۱: مقایسه میانگین کاربرد زبان فارسی و ترکی در دو گروه جنسی در حوزه‌های اجتماعی

کاربرد زبان	جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف میانگین	آزمون آماری	
						t	P
فارسی	زن	۱۹۷	۳۵/۴۸	۲۰/۳۰۱	۱/۴۵	۳/۲۲	۰/۰۰۱
	مرد	۲۰۳	۲۸/۷۵	۲۱/۴۵۷	۱/۵۱		
ترکی	زن	۱۹۷	۷۶/۱۰	۱۹/۹۰۴	۱/۴۲	۳/۱۸۲	۰/۰۰۲
	مرد	۲۰۳	۸۲/۵۲	۲۰/۴۳۳	۱/۴۳		

با توجه به نتایج آزمون t دو نمونه مستقل در جدول ۱۱، فرض برابری میانگین‌ها بین کاربران زبان فارسی در دو گروه جنسی در حوزه‌های اجتماعی با توجه به p -مقدار بدست آمده ($p = 0/001$) با اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود. در زبان ترکی نیز فرض برابری میانگین‌ها بین کاربران زبان ترکی در دو گروه جنسی با توجه به p -مقدار بدست آمده ($p = 0/002$) با اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در حوزه‌های اجتماعی کاربرد زبان فارسی بین زنان بیشتر از مردان است و مردان نیز بیشتر از زنان به استفاده از زبان ترکی تمایل دارند.

نتیجه‌گیری و بحث

به طور خلاصه نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان داد که:

- در شهر اردبیل در موقعیت‌های رسمی و در برخورد با فارسی‌زبانان از زبان فارسی و در موقعیت‌های غیر رسمی و در برخورد با ترک‌زبانان از زبان ترکی استفاده می‌شود.
- بین کاربرد زبان فارسی با زبان ترکی پاسخگویان شهر اردبیل در هر یک از حوزه‌های اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد.
- در مقایسه گروه‌های سنی، افراد جوان بیشتر از دیگر گروه‌ها از فارسی استفاده می‌کنند.
- در شهر اردبیل کودکان بیشتر از دیگر گروه‌ها از زبان فارسی استفاده می‌کنند.
- در مقایسه گروه‌های جنسی، دختران بیشتر از پسران از زبان فارسی استفاده می‌کنند.
- در مقایسه میزان تحصیلات، افراد تحصیل کرده بیشتر از افراد بی‌سواد از فارسی استفاده می‌کنند.
- در مقایسه گروه‌های شغلی، افراد دارای شغل آموزشی بیشتر از دیگر گروه‌های شغلی از زبان فارسی استفاده می‌کنند.

مقایسه کاربرد زبان فارسی با ترکی در شش حوزه اجتماعی؛ خانواده، دوستی، همسایگی، دادوستد، آموزشی و اداری در شهر اردبیل نشان داد که: بین کاربرد زبان فارسی با زبان ترکی پاسخگویان در هر یک از حوزه‌های اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد. در حوزه خانواده (موقعیت غیر رسمی) کاربرد زبان فارسی (زبان رسمی) کمتر و بالعکس کاربرد زبان ترکی (زبان مادری) بیشتر از حوزه‌های اجتماعی دیگر بود. و در حوزه آموزشی (موقعیت رسمی) کاربرد زبان

فارسی بیشتر و بالعکس کاربرد زبان ترکی کمتر از حوزه های اجتماعی دیگر بود. با این وجود زبان غالب در تمام حوزه های اجتماعی زبان ترکی مشاهده شد. این نتیجه با یافته های پژوهشی فیضمن و کوپر (۱۹۷۱)، پاراشر (۱۹۸۰)، فریدونی (۱۳۷۷)، صناعی مقدم (۱۳۷۷) و ایمانی (۱۳۸۳) مطابقت دارد. مقایسه میانگین های بدست آمده از میزان کاربرد دو زبان توسط آزمودنی های شهر اردبیل در شش گروه سنی نمایانگر این است که ترکی بیشتر توسط افراد سالخورده مورد استفاده قرار می گیرد و کمترین کاربرد این زبان متعلق به گروه سنی زیر یازده سال می باشد. در مورد زبان فارسی شاهد کاهش ناگهانی در کاربرد این زبان توسط افراد سالخورده می باشیم. بیشترین میانگین کاربرد زبان فارسی متعلق به افراد گروه سنی زیر یازده سال می باشد.

با مقایسه میانگین های کاربرد دو زبان فارسی و ترکی توسط آزمودنی های شهر اردبیل در هشت گروه تحصیلی نتیجه می گیریم که ترکی بیشتر توسط افراد بی سواد مورد استفاده قرار می گیرد و کمترین کاربرد این زبان متعلق به مقطع تحصیلی ابتدایی و فوق دیپلم می باشد. در مورد زبان فارسی شاهد کاهش شدید در کاربرد این زبان توسط افراد بی سواد می باشیم. بیشترین میانگین کاربرد زبان فارسی متعلق به افراد دارای سطح تحصیلات ابتدایی و فوق دیپلم می باشد. بیشترین میانگین کاربرد زبان فارسی متعلق به افراد دارای سطح تحصیلات راهنمایی می باشد. نتیجه بدست آمده در قسمت ۴ و ۵ (تأثیر سطح تحصیلات بر کاربرد زبان) با یافته های پژوهشی دیوید (۲۰۰۳)، فریدونی (۱۳۷۷)، صناعی مقدم (۱۹۹۹)، بشیرنژاد (۱۳۷۹) و مشایخ (۱۳۸۳) مطابقت دارد.

مقایسه میانگین های بدست آمده از میزان کاربرد دو زبان توسط پاسخگویان شهر اردبیل در چهار گروه شغلی بیانگر این مطلب است که ترکی بیشتر توسط افرادی که دارای شغل هایی غیر از آموزشی، اداری و آزاد هستند مورد استفاده قرار می گیرد و کمترین کاربرد این زبان متعلق به افراد دارای شغل آموزشی می باشد. همچنین بیشترین میانگین کاربرد فارسی متعلق به افراد دارای شغل آموزشی می باشد.

مقایسه میانگین های بدست آمده از میزان کاربرد دو زبان توسط پاسخگویان شهر اردبیل در دو گروه جنسیتی نشان داد که ترکی بیشتر توسط مردان مورد استفاده قرار می گیرد و کمترین کاربرد این زبان متعلق به زنان می باشد. در مورد زبان فارسی نیز کاربرد این زبان توسط زنان بیشتر از مردان گزارش شد. نتیجه

بدست آمده (تأثیر جنسیت بر کاربرد زبان) با نتایج تحقیق بشیرنژاد (۱۳۷۹) و ایمانی (۱۳۸۳) همسواست. اما با یافته‌های پژوهشی فریدونی (۱۳۷۷)، صناعی مقدم (۱۹۹۹) و مشایخ (۱۳۸۳) مطابقت ندارد.

کتابنامه

- اسپالسکی. ب. (۱۳۸۷). *زبان شناسی اجتماعی*. (ع. رحیمی و ز. باقری، مترجم) تهران: جنگل
- ایمانی. م. (۱۳۸۳). بررسی جایگاه و کاربرد زبان‌های ترکی و فارسی در میان گویشوران شهر قم. *پایان نامه کارشناسی ارشد*. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی
- بشیر نژاد. ح. (۱۳۷۹). بررسی جایگاه و کاربرد فارسی و مازندرانی در میان دانش آموزان و معلمان دوره متوسطه. *پایان نامه کارشناسی ارشد*. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی
- ترادگیل. پ. (۱۳۷۶). *زبان شناسی اجتماعی*. (م. طباطبایی، مترجم) تهران: آگاه
- دفتر آمار و اطلاعات استان اردبیل. (۱۳۸۷). سالنامه آماری استان اردبیل ۱۳۸۶. اردبیل
- ذوالفقاری. س. (۱۳۷۶). گویش بختیاری بقا یا زوال: بررسی زبانی - اجتماعی در شهر مسجد سلیمان. *پایان نامه کارشناسی ارشد*. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی
- رنجبر. ک. (۱۳۸۴). بررسی وضعیت دوزبانگی در میان دانش آموزان دبیرستانی ساکن استان کرمانشاه. *پایان نامه کارشناسی ارشد*. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی
- زندگی. ب. (۱۳۹۳). *زبان آموزی*. چاپ چهاردهم تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)
- فریدونی. ج. (۱۳۷۷). چند زبانگونی: تحقیقی در تجزیه و تحلیل حوزه ای. *پایان نامه کارشناسی ارشد*. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی
- کمالی. ب. (۱۳۸۴). دو زبانگی. تهران: انتشارات مدرسه
- لطفی پور ساعدی، (۱۳۹۲). *درآمدی بر اصول و روش ترجمه*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی
- مدرسی. ی. (۱۳۶۸). *درآمدی بر جامعه شناسی زبان*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی
- مشایخ. ط. (۱۳۸۲). بررسی کاربرد فارسی و گیلکی. *پایان نامه کارشناسی ارشد*. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی
- نرسیسیانس، امیلیا (۱۳۶۴). دوزبان‌گونگی در ایران. *مجله زبانشناسی*. سال دوم، شماره دوم، ۸۰-۷۳

یول. ج. (۱۳۸۵). بررسی زبان. (ع. بهرامی. مترجم) تهران: رهنما

David, M., Ibtisam, M., & Kaur, S. (2003). language maintenace or language shift among the Punjabi Sikh Community in Malsysia. *International journal of the sociology of language* , 161, 1-24

Fasold, R. (1984). *The Sociolinguistics of Society*. Oxford: Blackwell

Fereiduni, J. (1998). *A Sociolinguistic Study on Multilingualism, A Domain Analysis Perspective*. M.A Thesis. Shiraz: Shiraz University

Ferguson Ch(1959 /197۲/).Diglossia.Word 15:325-40

Fishman, J. (196۴).Language maintenance and language shift as a field of inquiry .Linguistics.9.32-70

Fishman J. 1967. Bilingualism with and without diglossia. Diglossia with and without bilingualism. Journal of Social Issues23.2: 29° 38.

Sanaee Moghadam, Z. (1999). *A Domain Analysis of Language Use in Yasuj Speech Community*. M. A Thesis. Shiraz: Shiraz University.

Trudgill, Peter. (1984). *Applied Sociolinguistics*. New York: Academic Press.

